ابراهیم گلستان، نویسنده پرآوازه ایرانی درگذشت

وداع با غول صد ساله

گروه فرهنگی – فخری سادات مسچی: ابراهیم گلستان هم به تاریخ پیوست، نویسنده‌ای که سالهاست دور از وطن زندگی می‌کرد اما هیچ گاه فراموش نشد. نه تنها نوشته‌هایش ادامه پیدا کرد، که حاشیه‌های زندگی اش همواره مورد توجه بود و انگار زندگی او بخشی از هنر و ادبیات معاصر را بازگو می‌کرد! مهمترین نکته در زندگی اش هم مراوده او با فروغ فرخزاد بود، او را آخرین فردی می‌دانند که با فروغ دمخور بوده است، او را تشویق به فیلم سازی می‌کند و در این راه همراه و همگام او بوده است. این نزدیکی با فروغ تا لحظه مرگ و تاثیری که این دو بر زندگی و هنر یکدیگر گذاشته اند باعث شده که هر گاه نام یکی می‌آمد، بی اختیار نام دومی‌هم به ذهن‌ها متبادر شود. روایت‌ها از ارتباط این دو بسیار است و بجز تاثیر هنری، تاثیری که در زندگی و اطرافیان آنها گذاشته هم مزید بر علت شده است. اما این تنها حاشیه زندگی گلستان نبود، رفتار او به گونه ای بود که بسیاری از نزدیکانش هم از او رنجیده خاطر بودند. اما آیا اینها همه ارتباطی به هنر او دارد؟

گلستان فعالیت ادبی را با ترجمه داستان‌هایی از ارنست همینگوی و ویلیام فاکنر آغاز کرد. «آذر، ماه آخر پاییز»، «شکار سایه»، «جوی و دیوار و تشنه»، «اسرار گنج دره‌ی جنی»، «مد و مه» و «خروس» از آثار داستانی این نویسنده‌اند. داستان‌های او بدون شک اهمیتی بسزا در تاریخ ادبیات ایران دارد. نوشته‌های او دارای سبکی خاص است و بسیاری سبک نویسندگی وی را تأثیر پذیرفته از داستان‌های کوتاه ارنست همینگوی می‌دانند گرچه او تأثیرپذیری از هیچ نویسنده‌ای را نمی‌پذیرد. همچنین وی از زمره نخستین نویسندگان معاصر ایرانی معرفی می‌شود که برای زبان داستانی و استفاده از نثر آهنگین در قالب‌های داستانی نوین، اهمیت قائل شد و به آن پرداخت. از این جهت نقش او در سیر پیشرفت داستان معاصر فارسی قابل توجه‌است.

حسن میرعابدینی نویسنده کتاب «صد سال داستان نویسی ایران»، گلستان را پیگیرترین دنباله‌رو داستان‌نویسان آمریکایی در ایران می‌داند. نخستین ترجمه‌ها از این دو نویسنده در زبان فارسی به قلم گلستان است و به نظر میرعابدینی، گلستان خصوصا در مجموعه «آذر، ماه آخر پاییز»، موفقیت‌هایی هم در به‌کارگیری صناعت داستان‌نویسی فاکنر داشته است. اما خود گلستان عقیده داشت که از همینگوی فراتر رفته است. اما محمد قائد در باره سبک داستان نویسی گلستان می‌گوید: «در نوشته‌هایش ریتم تصنعی و ویترین‌چینی بسیار به چشم می‌آید، اما برخی نوشته‌هایش (مانند «از راه و رفته و رفتار»، شرحی از سفر دانش‌آموزان ورزشکاران شیرازی به رامسر مقارن با سوم شهریور ۲۰ که در اندیشه و هنر چاپ شد) می‌تواند برای آشنایی با سبک‌های نگارش مفید باشد.»

از دیگر ویژگی‌های داستان‌نویسی گلستان، خلق مجموعه داستان‌های به هم مرتبط است. در حالی که چنین سبکی در غرب سابقه طولانی‌تری دارد، این نوع داستان‌نویسی در ایران با گلستان آغاز می‌شود اما نکته مهم در این نوع آثار گلستان، خلق نوعی جدید از داستان‌نویسی است که در ادبیات کلاسیک ایران، مانند منطق الطیر، ریشه دارد. این نوع داستان‌ها نه براساس درون‌مایه یا شخصیت‌های داستانی، بلکه براساس ساختارهای مشابه به یکدیگر مرتبط می‌شوند. گلستان اما به جز داستان نویسی در زمینه عکاسی و سینما هم نقشی پررنگ داشته است. او که در جوانی جذب حزب توده شده بود بعد از مدتی از این حزب جدا می‌شود و رای کار در اداره انتشارات شرکت نفت ایران و انگلستان به آبادان نقل مکان می‌کند. وقتی دیلن تامس شاعر ولزی در سال ۱۹۵۱ برای نوشتن مطالب تبلیغاتی برای شرکت نفت به آبادان رفت گلستان به عنوان مترجم او کار کرد. گلستان در این اداره مدتی رمان‌های معروف جهان را برای نشریه روزانه اخبار هفته ترجمه می‌کرد. او مدتی نیز دبیر این نشریه با تیراژ ۲۵هزار نسخه بود. او همچنین در مجله انگلیسی دیلی نیوز نیز کار می‌کرد. گلستان تا سال ۱۳۳۳ در این اداره کار کرد تا این که با ایجاد دفتر کنسرسیوم بین‌المللی نفت ایران او بخشی از امور تبلیغاتی این دفتر و روابط عمومی‌آن را عهده‌دار می‌شود که منجر به تولید فیلم عکس و کتابچه‌های تبلیغاتی شد.

وی پس از سال ۱۳۳۶، استودیوی سینمایی خود را با نام «استودیو گلستان» تأسیس کرد و تعدادی فیلم مستند برای یکی از سازمان‌های شرکت نفت ساخت. یک آتش و موج و مرجان و خارا از این جمله‌اند. به دلیل این همکاری‌ها، عده‌ای از روشنفکران آن دوره به وی لقب «گلستان نفتی» داده بودند. یکی از کسانی هم که در برابر این قضایا موضع‌گیری صریح کرد و گلستان را مورد تقبیح و شماتت قرار داد، جلال آل احمد بود. او ساختن فیلم تبلیغاتی موج و مرجان و خارا را نمونه‌ای از رفتارهای روشنفکران واداده می‌دانست.

گلستان کارگردان دو فیلم داستانی با نام‌های خشت و آینه (۱۳۴۴) و اسرار گنج دره جنی (۱۳۵۰) نیز هست. وی همچنین تهیه‌کننده فیلم خانه سیاه است به کارگردانی فروغ فرخزاد بوده‌است. او در سال ۱۳۴۰ برای فیلم یک آتش موفق به دریافت مدال برنز جشنواره فیلم کوتاه ونیز شد. این جایزه، اولین جایزه بین‌المللی برای یک کارگردان ایرانی به‌شمار می‌رود.

با این همه، گلستان بیشتر با فروغ شناخته می‌شود. شاید اگر فروغ آنقدر زود نمی‌مرد، این حاشیه‌ها وجود نداشت اما از آن زمان همه به دنبال جزئیاتی از رابطه این دو نفر بودند؛ برخی حتی مرگ فروغ را هم به او نسبت داده اند! گلستان نزدیک به ۶۰ سال بعد از فروغ زنده بود و در تمام این مدت این ماجراها تمام نشد. اخلاق خاص گلستان که بسیاری آن را «تفرعن» می‌دانند هم باعث شد که درباره او سخنان تندی بیان شود. اما او حامیان سفت و سختی هم داشت. با این همه احمدرضا احمدی درباره او نوشته است: «با همه اتهاماتی که بر گلستان وارد آوردند و گفتند در برج عاج زندگی می‌کند و آقای محمود عنایت درباره چمن آفریقایی خانه‌اش مقاله نوشت، یا آن متن افتضاح‌آمیز و رذیلانه‌ای که پرویز داریوش در مجله نگین درباره گلستان چاپ کرد و رذالت را تا آنجا پیش برد که به حریم خانوادگی گلستان هم تجاوز کرد او پاک پاک بود... گلستان تا امروز مورد حقد و حسد دیگران بوده‌است. یکی از شاعران معاصر به من می‌گفت: این چه هنرمندی است که نه سیگار می‌کشد، نه تریاک می‌کشد، نه عرق می‌خورد؟! این بود قضاوت روشنفکران ما درباره او. در عوض گلستان نه به کسی باج می‌داد و نه از کسی حساب می‌برد. چون پاکِ پاک بود.»

چندی پیش فیلمی‌از شاهرخ گلستان در فضای مجازی پربازدید شد که درباره ابراهیم می‌گفت: فیلمی‌را که من ساختم، او به نام خودش جا زد. کاری به کارش نداشتم، چون ارزشی برایش قائل نیستم. به نشظر می‌رسد روابط همسر و فرزندان ابراهیم گلستان هم بسیار متاثر از رابطه او با فروغ بوده و بعد از آن شکل دیگری به خود گرفته است. کاوه گلستان پسر او از بزرگترین عکاسان خبری ایران بود که در عراق کشته شد. لیلی گلستان هم گالری دار نامدار و شناخته شده است. کاوه گفته است که رابطه پدرش و فروغ بد نبود اما «وقتی فروغ مرد همه چیز عوض شد... من و مادرم خیلی برایمون سخت بود که غم پدرم را تحمل کنیم. پدرم گویی در این دنیا نیست... پدرم مثل آدمهای خواب زده شده بود.. پدرم بعد از مرگ فروغ مرد!»

اما زندگی ابراهیم گلستان ظاهرا ادامه داشت و بخصوص اظهار نظرهای او درباره افراد حاشیه ساز می‌شد. او متولد ۱۳۰۱ بود و روز آخر مرداد ۱۴۰۲ درگذشت؛ عمری که طولانی بود اما گرفتار رابطه ای کوتاه با فروغ بود.

محمد بحرانی:

برای این روزهای تلویزیون غمگینم

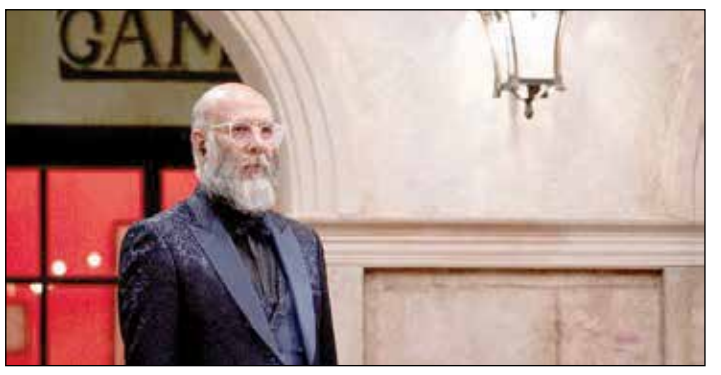

محمد بحرانی که این روزها در شبکه نمایش خانگی حضور پررنگی دارد، درباره وضعیت تلویزیون می‌گوید: من سال‌های زیادی در تلویزیون کار کرده‌ام و از وضعیت این روزهای تلویزیون بسیار غمگینم. تلویزیون را خیلی خیلی دوست دارم و هیچ‌وقت موضعی در مقابلش نداشته‌ام و دلم می‌خواهد به روزهای خوبش برگردد.

محمد بحرانی که این روزها حضورش در شبکه نمایش خانگی پررنگ‌تر شده و با مجموعه عروسکی «پیکولو» و برنامه «شب‌های مافیا» و همچنین برنامه «صداتو» حضور دارد، با این حال همچنان دلتنگ جناب خان است و در پاسخ به اینکه انتخابش بین بازیگری، اجرا، عروسک‌گردانی و صداپیشگی کدام است؟ می‌گوید: تمام این‌ها زیرمجموعه هنرهای نمایشی است و همه برای من جذاب‌اند اما اگر مجبور به انتخاب یکی باشم، صداپیشگی «جناب خان» را انتخاب می‌کنم.

همه احوال «جناب خان» را می‌پرسند و دلتنگش هستند

او از «جناب خان» می‌گوید و در پاسخ به اینکه در آینده باز هم او را خواهیم دید یا نه؟ به ایسنا می‌گوید: به نظرم تجربه جناب خان بسیار جدی و جذاب بود. خدا را شکر می‌کنم که این تجربه را در مسیر زندگی من قرار داد. تجربه جناب خان یک تجربه بسیار ویژه بود. جناب خان یک موجود مستقل دارای روح و زنده است و اینکه در آینده او را می‌بینیم یا نه، تصمیم خودش است. من هم منتظرم ببینم که چه تصمیمی‌می‌گیرد.

اما باید بگویم که مردم به شدت پیگیر «جناب خان» هستند. من با وسایل نقلیه عمومی‌تردد می‌کنم و در سطح شهر، بسیار پیاده‌روی می‌کنم؛ بنابراین بسیار با آدم‌ها ارتباط رو در رو دارم و تقریبا همه احوال «جناب خان» را می‌پرسند و دلتنگش هستند.

حضور پلتفرم‌ها هم در ایران بسیار اتفاق مثبتی بود

وی درباره‌ی تفاوت کار در تلویزیون و نمایش خانگی می‌گوید: به لحاظ دسترسی و آیین انجام عمل، دیدن تلویزیون کار راحت‌تری است. حضور پلتفرم‌ها هم در ایران بسیار اتفاق مثبتی بود. من از افرادی بودم که در روزهای اول متولد شدن پلتفرم‌ها در کشور، جزو ایده‌پردازان ورود این صنعت به ایران بود مو از سالیان قبل جزو موسسان پلتفرم فیلم نت بودم. با این حال، برای من بستر پخش، اتفاق متفاوتی نیست.

ما می‌توانیم برنامه‌هایی که دوست داریم را در هر کدام از این بسترها تماشا کنیم. در این گفتگو، من تلویزیون را هم جزو یکی از پلتفرم‌ها دسته‌بندی می‌کنم و طبیعتا هر پلتفرمی‌که برنامه‌های جذاب‌تری داشته باشد برای خودش مخاطبان وفادارتری درست می‌کند.

دلم می‌خواهد تلویزیون به روزهای خوبش برگردد

بحرانی درباره شرایط فعلی تلویزیون و فعالیت در نمایش خانگی اظهار می‌کند: اینکه پلتفرم‌ها در یک رقابت مثبت با هم در تلاش برای تولید برنامه‌های جذاب‌اند، اتفاق مثبتی است.

من سال‌های زیادی در تلویزیون کار کرده‌ام و از وضعیت این روزهای تلویزیون بسیار غمگین هستم. تلویزیون را خیلی خیلی دوست دارم و هیچ‌وقت موضعی در مقابلش نداشته‌ام و دلم می‌خواهد به روزهای خوبش برگردد. می‌گویند شرف المکان بالمکین، یعنی جذابیت یک جا به آدم‌هایی است که آنجا هستند.

به نظرم تلویزیون این روزها آدم‌های جذابش را از دست داده و کاش یک اتفاق بیافتد که من به عنوان یک مخاطب، بار دیگر محمدرضا شهیدی‌فر، رامبد جوان، مهران مدیری، احسان علیخانی، عادل فردوسی پور، منصور ضابطیان، محمد صوفی، برادران صفاریان‌پور و بقیه اسامی‌جذابی که اوقات خوشی را در تلویزیون برای ما ساخته‌اند را در تلویزیون ببینیم.

این‌ها سرمایه‌های برنامه‌سازی‌اند که باید حفظ شوند.

اینکه این افراد در شبکه‌های خصوصی برنامه‌سازی کنند، خیلی خوب است اما ای کاش تلویزیون شرایطی را فراهم کند که مردمی‌که به هر دلیلی امکان استفاده از پلتفرم‌ها را ندارند بتوانند از رسانه ملی‌شان برنامه‌های دلخواهشان را دنبال کنند و لذت ببرند.

هیچ محتوای غیراخلاقی تولید نمی‌شود، بگذارید مردم خودشان انتخاب کنند

این بازیگر درباره تولیدات گسترده شبکه نمایش خانگی و نظارت‌های که این روزها اعمال می‌شود؟ می‌گوید: به نظر من هر مسئولی که ایران و مردم ایران را دوست دارد، مطلقا این سنگ‌اندازی‌ها را انجام نمی‌دهد. همه می‌دانیم که هم تولیدکنندگان این محتواها مردم‌اند و هم پلتفرم‌های پخش این محتواها و هم بینندگان محتواها خود مردم‌اند. اعضای پلتفرم‌ها و کارکنان آن‌ها و حتی من هنرمند همه یک شهروند ساده‌ایم. یک توصیه به مسئولان دارم و آن اینکه مسوولان عزیز و دغدغه‌مند، بگذارید مردم خودشان انتخاب کنند.

باور کنید هیچ اتفاقی نمی‌افتد و هیچ محتوای غیراخلاقی تولید نمی‌شود.

جلوی این اشتغال‌زایی سنگ‌اندازی نکنید

وی در پاسخ به عملکرد پلتفرم‌ها که چه نقشی در ایجاد شغل و امرار معاش هنرمندان داشته اند؟ اظهار می‌کند: از آنجا که من سابقه کار جدی در پلتفرم‌ها را دارم، می‌دانم که علاوه بر محصولاتی که ما از پلتفرم می‌بینیم که هر برنامه به طور متوسط یک گروه بیش از صد نفره عوامل را شامل می‌شود و برای این تعداد، شغل ایجاد می‌کند، تعداد زیادی از شرکت‌های وابسته مثل شرکت‌های تبلیغاتی، شرکت‌های دوبله و ... با پلتفرم‌ها کار می‌کنند که همه این‌ها اشتغال‌زایی محسوب می‌شود و نتیجه آن، تولید یک محتوای جذاب است که میلیون‌ها نفر را جذب می‌کند و برایشان تفریح و سرگرمی‌تولید می‌کند. باز هم این خواهشم را تکرار می‌کنم که جلوی این اشتغال‌زایی، سنگ‌اندازی نکنید. حتما آن محتوایی که در چارچوب قوانین این کشور تولید می‌شود، خیلی بهتر از محتوایی است که خارجی باشد و مغایر با فرهنگ ما.

محمدرضا اصلانی مطرح کرد

امثال «خسرو سینایی»ها نباید رها شوند

محمدرضا اصلانی با اشاره به اینکه رفتن خسرو سینایی حیف بود گفت: کسانی مانند خسرو سینایی بعد از یک مجموعه کار، دیگر «فرد» نیستند بلکه یک «انستیتو» هستند؛ انستیتویی که نباید رها شود زیرا رها شدن این افراد در واقع لطمه به بنیادهای فرهنگی ما است. به گزارش ایسنا، خسرو سینایی یکی از هنرمندانی است که سال ۱۳۹۹ جانش را براثر ابتلا به کرونا از دست داد. این فیلمساز متولد سال ۱۳۱۹ بود که کارش را از سال ۱۳۴۶ آغاز کرد و سال ۶۲ مستند «مرثیه گمشده» را با روایت مهاجرت هزاران لهستانی به ایران ساخت که بابت آن جایزه‌ای از رییس جمهور کشور لهستان هم گرفت. البته نام خسرو سینایی بیش از هر چیز با «سینما» گره خورده و اکثرا او را به عنوان فیلمساز مستندهایی برجسته یا فیلم‌هایی ماندگار مثل «عروس آتش» می‌شناسند، اما این هنرمند در برهه‌ای یک چهره مطرح موسیقی در اتریش بوده که کمتر از آن صحبت شده است. شامگاه ۳۱ مردادماه مراسم نکوداشت این هنرمند توسط موزه سینما با همکاری انجمن دانش‌آموختگان مرکز اسلامی‌آموزش فیلمسازی باغ فردوس در سالن فردوس موزه سینما با حضور هنرمندان و مدیرانی همچون محمدرضا اصلانی، محمدرضا دلپاک، نظام‌الدین کیایی، مهدی مسعودشاهی، همایون امامی، شهاب‌الدین عادل، حبیب احمدزاده، ارد عطارپور، رسول بابارضا، رهبر قنبری و علی لقمانی برگزار شد.

«مرثیه گمشده» یک اثر فرهنگی واقعی است

علی لقمانی که اجرای برنامه را هم برعهده داشت بیان کرد: معتقدم فیلمسازان به دو صورت می‌توانند کار کنند؛ اینکه ابتدا تولید کنند و تمام شود و دوم اینکه فیلم را خلق کنند تا ماندگار شود. ممکن است با برخی از فیلم‌های محمدرضا اصلانی، منوچهر طیاب و... هم سلیقه نباشیم اما به هیچ وجه فیلم‌هایی نیستند که قابل اعتنا نباشند زیرا این فیلم‌ها همیشه با خود چالش به همراه دارند. به گفته محمد ابراهیم باستانی پاریزی در کتاب «شاهنامه آخرش خوش است» تنها فیلم معتبری که استادانه در فضای مستند با موضوع جنگ جهانی دوم ساخته شده فیلم «مرثیه گمشده» خسرو سینایی است در واقع «مرثیه گمشده» یک اثر فرهنگی واقعی است.

او افزود: یکی از موارد دردناکی که به خسرو سینایی در ساخت «قطار زمستانی» گفته شد این بود که «لطفا مخاطب عام را نیز در نظر بگیرید». حاصل در نظر گرفتن مخاطب عام می‌شود فیلم‌هایی که فروش بالایی دارند اما سال بعد در خاطر کسی نمی‌ماند. امثال فیلم‌هایی مانند «مرثیه گمشده» هر چقدر هم که زمان می‌گذرد، به آن رجوع می‌شود و چالش جدیدی ایجاد می‌کند.

سینایی بنیان‌گذار پرتره‌های مستند بود

در بخش دیگری از این مراسم محمدرضا اصلانی مستندساز پیشکسوت سینما نیز گفت: رفتن خسرو سینایی حیف بود ما یکی از دوست‌داشتنی‌ترین چهره‌های سینما را به دلیل بیماری کرونا از دست دادیم. او از کسانی نبود که به آخر کار خود رسیده باشد بلکه پروژه‌های اصلی خود را به دست گرفته بود و آینده خوبی برای او وجود داشت و این آینده خوب در چنین فردی، شخصی نبود بلکه برای همه ما بود و مرگ او ضایعه ملی بود. چیزی که می‌توانست منجر به یک حاصل فرهنگی برای یک ملت و تاریخ باشد از دست رفت و این چیزی است که مرا متاثر می‌کند. وی افزود: کسانی مانند خسرو سینایی بعد از یک مجموعه کار، دیگر «فرد» نیستند یک «انستیتو» هستند و این انستیتو باید پشتیانی شود و نباید رها شود زیرا رها شدن این افراد در واقع لطمه به بنیادهای فرهنگی ما است. مدیریت و جامعه فرهنگی ما باید به این آگاهی برسد و از این غفلت‌ها و از دست رفتن‌ها جلوگیری کند. از دست رفتن بخشی از حافظه تاریخی و ناخودآگاه جمعی ماست؛ «مرثیه گمشده» سینایی و مرثیه بسیاری از ماست. ما همه مرثیه‌های گمشده‌ایم.

این مستندساز درباره فیلم «مرثیه گمشده» گفت: این فیلم به هیچ وجه یک فیلم دانشجویی نبود و کاری خوش ساخت و فرهنگی بود که به فیلم‌های کوتاه اروپای شرقی طعنه می‌زد. به خاطر دارم یکی از دوستان از او پرسید «مرثیه گمشده» یک سبک بود و چرا ادامه ندادی؟ سینایی در پاسخ گفت کسی این کار را جدی نگرفت و از من خواسته نشد.

نگاه

۱۰ فیلم مشکل‌دار سینما چه زمانی اکران می‌شوند؟

سازمان سینمایی اکران ۱۰ فیلم مشکل‌دار را بدون مانع دانسته در حالی که اشاره‌ای به اسامی‌آن‌ها نشده و مهم‌تر اینکه باید پرسید چرا در طول یک سال گذشته مسئله اکران این آثار حل نشده بود تا از خطر قاچاق دور بمانند؟

به گزارش ایسنا، پس از اینکه چند فیلم سینمایی اکران نشده در مدتی کوتاه و پشت سر هم در فضای مجازی لو رفتند، تحلیل‌های مختلفی درباره علت و منشأ این اتفاق و اینکه چطور می‌شد از آن جلوگیری کرد، مطرح شد. فیلم‌های قاچاق شده را به دو دسته می‌توان تقسیم کرد؛ یک گروه آن‌هایی که اساسا مشکلی برای نمایش نداشتند و اتفاقا در آستانه اکران عمومی‌بودند؛ یک گروه هم فیلم‌هایی بودند که بیشتر بخاطر بازیگرانشان اجازه اکران پیدا نکرده بودند. (در این میان «برادران لیلا» تا حدی استثناست چرا که طبق اعلام سازندگانش اتهام‌های دیگری به فیلم وارد است.) پس از پخش نسخه‌های باکیفیت از این فیلم‌ها برخی سینمایی‌ها تاکید داشتند که «اگر مشکل فیلم‌هایی که در ارتباط با ناآرامی‌های سال قبل دچار حاشیه شده بودند، زودتر برطرف می‌شد نسخه غیرمجاز آن‌ها به بیرون درز نمی‌کرد.»

حالا پس از آنکه نوک پیکان برخی انتقادها بابت قاچاق فیلم‌ها به سازمان سینمایی و وزارت ارشاد برمی‌گشت و بعد از گمانه‌زنی‌ها برای احتمال قاچاق دیگر فیلم‌های مشکل‌دار و نیز پس از آنکه رییس سازمان سینمایی دستور جدی پیگیری قاچاق فیلم‌ها را داد، روح الله سهرابی - مدیر کل اداره نظارت بر نمایش فیلم سازمان سینمایی - اعلام کرده است: سازمان سینمایی در نظر دارد آثاری را که به دلیل حضور یک یا چند تن از عوامل قانون‌شکن یا کشف حجاب کرده امکان نمایش عمومی‌پیدا نکرده‌اند به مرور روی پرده بفرستد تا سرمایه‌گذاران و تهیه‌کنندگان و عواملی که در تولید نقش داشته‌اند دچار خسارت و زیان نشوند.

سهرابی این اظهارات را در حالی مطرح کرده که سوال اصلی همین است که اگر این کار شدنی است، چرا زودتر اتفاق نیفتاد؟ نکته مهم دیگر این است که چنین تصمیمی‌پیش‌تر هم بیان شده بود؛ یعنی یک سال قبل وقتی محمد خزاعی (رییس سازمان سینمایی) اعلام کرد که اسامی‌هنرمندان ممنوع‌الکار اعلام خواهد شد (اتفاقی که هرگز نیفتاد)، گفته بود که وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی(محمد مهدی اسماعیلی) تاکید کرده اگر بازیگری ممنوع الکار شده باشد عطف به ما سبق نمی‌شود و فیلم‌هایی که در گذشته بازی کرده دچار مشکل نمی‌شوند اما به نظر می‌رسد این تاکید وزیر که پیش از ناآرامی‌های سال قبل جامعه مطرح شد، یا اصلا مورد توجه قرار نگرفته یا اینکه بعد از التهابات پاییز گذشته، ملزومات تازه‌ای برای اجرای آن به وجود آمده بود.

مدیرکل اداره نظارت بر نمایش فیلم سازمان سینمایی در اظهارات خود اشاره کرده که ۱۰ عنوان فیلم مشکلات مشابه دارند و بازیگران آن‌ها بعد از نقش‌آفرینی در فیلم‌ها، اقدام به کشف حجاب یا فرار از کشور کرده‌اند. او به نام هیچ کدام از این ۱۰ فیلم اشاره نکرده ولی گفته است که آن بازیگران خاص از این پس اجازه حضور در هیچ اثری (ساخت ایران) را نخواهند داشت و در واقع ممنوع‌الکاری آن‌ها را به طور رسمی‌اعلام کرده است.

بررسی واکنش‌های بعضی بازیگران و نیز وضعیت فیلم‌هایی که پروانه نمایش داشته یا در آستانه اکران بوده‌اند ولی طبق گفته‌های رسمی‌و غیررسمی‌سازندگان‌شان به دلیل حضور چند بازیگر امکان نمایش پیدا نکرده‌اند، نام چند فیلم را به ذهن می‌رساند که احتمالا در این فهرست ۱۰ تایی هستند؛ از این فیلم‌ها به «عامه پسند» سهیل بیرقی با بازی فاطمه معتمدآریا، «گیجگاه» عادل تبریزی با بازی باران کوثری، «زنبور کارگر» افشین صادقی با بازی حمید فرخ‌نژاد و پگاه آهنگرانی، «زعفرانیه ۱۴ تیر» علی‌هاشمی‌با بازی هنگامه قاضیانی، «اورکا» سحر مصیبی با بازی ترانه علیدوستی و «رگ‌های آبی» با بازی باران کوثری می‌توان اشاره کرد. فیلم دیگری که به نظر می‌رسد باید به این فهرست اضافه شود «ملاقات با جادوگر» حمید بهرامیان است که اگرچه ابتدا قرار بود در نوروز امسال روی پرده رود اما تاکنون اکران نشده و با توجه به اشاره غیرمستقیم وزیر ارشاد در گفت‌وگوی اخیرش به ویدیوی یکی از بازیگر این فیلم در سال گذشته، آن را هم می‌توان جزو مشکل‌دارها دانست.

نکته قابل توجه درباره فیلم‌هایی که گمانه‌زنی‌ها حول آن‌ها می‌چرخد، این است که پروانه نمایش برخی از این فیلم‌ها مدت‌ها قبل صادر شده ولی حتی با وجود اقدام سازندگان برای اکران و اعلام چندباره هنوز از روی پرده رفتن آن‌ها خبری نیست و امید می‌رود در روزها و هفته‌های پیش رو بر پرده سینما جان بگیرند.

اخبار کوتاه

شب هنریک مجنونیان برگزار می‌شود

ششصد و نود و پنجمین شب از شب‌های بخارا به یادبود هنریک مجنونیان اختصاص یافته است. این نشست در ساعت پنج بعدازظهر پنجشنبه دوم شهریورماه ۱۴۰۲ در خانه هنرمندان ایران ـ سالن استاد جلیل شهناز برگزار می‌شود.

هنریک مجنونیان از کارشناسان برجسته و کنشگران پیشگام محیط زیست بود. او در سال ۱۳۳۰ چشم به جهان گشود و در ۱۴ مرداد ۱۳۹۹ درگذشت.

مجنونیان را می‌توان از تبار ایرانیانِ ارمنی دانست که در سخت‌کوشی، نوآوری، و علم‌اندوزی زبانزد هستند؛ می‌دانیم که هم‌میهنانِ ارمنیِ ما، در زمینه‌هایی مانند معماری، موسیقی، مکانیکی، تآتر، سینما، پزشکی، آموزش و پرورش، و... به نسبت جمعیت خود، در ایران بسیار اثرگذار بوده‌اند. مجنونیان هم با ترجمه و تألیف حدود شصت جلد کتاب با موضوع محیط زیست، یکی از معدود کسانی بوده که فعالانه و پیگیرانه، خوراک فکری درخور اعتنا و کم‌مانند برای مدافعان طبیعت فراهم کرد. او همچنین به‌مدت چند دهه در دانشکده‌ها و آموزشکده‌ها و خانه‌ی خودش، به تربیت دانشجو و محیط‌بان و کنشگر محیط زیست پرداخت.

آثار او بسیار زیاد هستند و شامل زمینه‌هایی مانند کلیات حفاظت محیط زیست، اصول حاکم بر منطقه‌های حفاظت‌شده، تالاب‌ها و دیگر محیط‌های آبی، حفاظت محیط‌های کوهستانی، پیمان‌های جهانی محیط زیست، معرفی منطقه‌های حفاظت‌شده‌ی ایران، و... می‌شوند.

مجنونیان، شخصیت محیط زیستیِ پشت‌میزنشین نبود؛ تا هنگامی‌که بیماری و سنِ بالا خیلی آزارش نداده بود، یعنی در سال‌هایی دراز، با شخصیت‌های دیگری مانند بیژن فرهنگ دره‌شوری، حمیدرضا بیات، فریبرز شکرایی، و هوشنگ ضیایی در کوه و بیابان طبیعت‌پیمایی کرد، اطلاعاتی را فراهم ساخت و ضمن ترکیب آن‌ها با دانشِ روز، به نشر سپرد.

در این نشست بهرام زهزاد، افشین دانه‌کار، حمیدرضا حیدری، باریس مجنونیان، عباس محمدی، سعید یلقی و علی دهباشی به بررسی زندگی و خدمات هنریک مجنونیان در حوزه محیط زیست خواهند پرداخت.

شب هنریک مجنونیان در ساعت پنج بعدازظهر پنجشنبه دوم شهریورماه ۱۴۰۲ در سالن استاد جلیل شهناز در خانه هنرمندان ایران به نشانی: خیابان آیت‌الله طالقانی، خیابان شهید موسوی شمالی (فرصت) برگزار می‌شود.

سوگواری شهادت حضرت رقیه (سلام الله علیها) در پیاده راه امیرکبیر

به مناسبت شهادت حضرت رقیه(سلام الله علیها)، مراسم سوگواری و ذکر مصیبت در قالب «همایش ریحانه الحسین(ع)» با مشارکت فرهنگسرای اخلاق و هیئت دو طفلان حضرت زینب(س)، جمعه سوم شهریور ماه سالجاری از ساعت ۱۶ در پیاده راه امیرکبیر برپا می‌شود.

به گزارش روابط عمومی‌فرهنگسرای اخلاق، به مناسبت گرامی‌داشت ایام شهادت حضرت رقیه(سلام الله علیها) و به منظور نهادینه شدن پیام حماسه حسینی در بین خانواده‌ها، «همایش ریحانه الحسین(ع)» با حضور سخنرانان، مادحین اهل بیت(علیهم السلام)، قرائت اشعار و دکلمه خوانی، اجرای سرود و تعزیه خوانی روز جمعه سوم شهریور از ساعت ۱۶ تا ۱۹ در محوطه باز مقابل متروی پیاده راه امیرکبیر برپا می‌شود.

بر اساس این خبر، در این همایش حجت الاسلام والمسلمین مصطفی کرمی‌علاوه بر ذکر مصیبت سوگواری سید و سالار شهیدان به ذکر رنج‌های حضرت رقیه(سلام الله علیها) در واقعه عاشورا، به روایت اسیری آن حضرت به همراه زنان بنی‌هاشم پرداخته و نحوه ی شهادت آن حضرت در خرابه‌های شام را بازگو می‌کند.

این خبر می‌افزاید، شعر خوانی، دکلمه خوانی نونهالان و نوجوانان و اجرای سرود و تعزیه خوانی.... و مداحی و مرثیه سرایی کربلایی محسن عراقی در منقبت حضرت ابا عبدالله الحسین(ع) و دختر سه ساله آن حضرت از دیگر بخش‌های این همایش است.

پیاده راه امیرکبیر در خیابان ۱۷ شهریور واقع است.